

چگونه یک هندو مدافع حریم امام حسین (ع) می شود !

از اتفاقاتی که با مسلمانان داشتید ، برای خانواده خبر نمی آوردید ؟

در آن منطقه از هندوستان که برای کشاورزی زندگی می کردیم ، فقط من بودم و پدر بزرگم . منزل اصلی ما یک کیلومتر دورتر قرار داشت ، بنابراین کسی نبود که برایش تعریف کنم

مطالبی که آن خانم پیرامون اهل البیت (ع) برایم توضیح داد ، خیلی جذاب بود . با خودم فکر می کردم ، آیا چنین کسانی در دنیا وجود داشتند ؟ هر مطلب که آن خانم می گفت در دفتری می نوشتم .

آقای چاندرا چیزی از آن مطالب یادتان هست ؟

بله از امام حسین (ع) و کرپلا خیلی می گفتند مخصوصا آن داستانی که امام حسین (ع) به سپاه حر آب دادند . هر آنچه ایشان یاد می داشتند تعریف می کردند و بعد دوباره تکرار می کردند . با خودم گفتم اینها را که بلام پس باید برای بیشتر دانستم پیش کسی دیگری بروم . دو کیلومتر دورتر از محل مسلمانان ، حسینییه خیلی بزرگ دیگری بود که زمین های زیادی داشت ، متولی آن نیز یک هندو بود که تا الان نیز هست . یک بت پرست که خیلی به امام حسین علیه السلام عقیده داشت .

مطلبی بگویم که شاید باور نکنید . زمان تخریب مسجد بامری ، بعضی از هندوها می خواستند حسینییه را خراب کنند و زمین های آن را هم تصرف کنند . این خبر به گوش آن مرد بت پرست رسید . او تنها بود چون مسلمانان دو کیلومتر با او فاصله داشتند ، از آنجایی که او پولدار و با نفوذ بود ، تعدادی اسلحه محیا کرد و هر یک از خانواده اش را نگهبان یک قسمت از حسینییه قرار داد . به آنها گفته بود تا وقتی ما زنده هستیم کسی حق ندارد به حسینییه نزدیک شود ، در صورتی آنها می توانند به حسینییه دست بزنند که همه ما از بین رفته باشیم . زمانی که هندوها شنیدند که آنها حاضر اند برای امام حسین (ع) چه ها کنند ، ترسیدند و فرار کردند .